

موقعیت جنبش زنان افغانستان

متن زیر سخنرانی طاهره میلانی از فعالین سازمان زنان هشت مارس در مراسم روز جهانی (مارس ۲۰۰۱) در شهرهای فرانکفورت و اسن آلمان است.

امروز روز بین المللی زنان است. هشت مارس را می گویم. روز سنت مبارزاتی زنان علیه برده گی شان. سنت این روزمتعلق به ستم گران و استثمارگران مفتخور و پاسدار نظام ستمگر و مرد سالار نیست!

این روز به مرتجعینی که در مزار شریف و بامیان، روز زن را تجلیل می کنند تا از غافله عقب نمانند، تعلق ندارد! این روز به مرتجعینی که نه اعتقاد به ضرورت تامین حقوق زنان دارند و در طول مدت حاکمیتشان به آن توجه نکرده و قدمی برنداشته اند، ولی امروز برای «شیرین سازی» در نزد قدرت های غربی بیرق دفاع از زنان افغان را بر داشته اند، تعلق ندارد! این روز به زنانی که در خدمت مرتجعین هستند و برای «تجات» ما زنان و «دفاع از حقوق» ما، دستشان جلو اربابان خود یعنی سرمایه داران بزرگ شرق و غرب، دراز کرده و گدایی می کنند، تعلق ندارد!

این روز به هزاران زن زحمتکشی که تا کنون در افغانستان زیر ستم دوگانه و در مناطقی سه گانه (یعنی ستم طبقاتی، جنسی، و ملی) همه ارتجاعیون ریز و درشت، اسلامی و غیر اسلامی له شده و می شوند، تعلق دارد!

به زنانی که در خانه زندانی شدند، زنانی که سرپرستی خانواده شان در افغانستان و پاکستان را بعهده دارند و به دلیل منع کار زنان و بیرون آمدن آنها از خانه و نبودن کار در پاکستان، و ایران به هرکار سختی تن می دهند، وگاهی مجبور می شوند دختران خردسالشان را از فقر به پولدار های کثیف عرب و پاکستانی بفروشند، تعلق دارد!

این روز به زنانی که همین حالا در اثر فقر، خشکسالی و قحطی و عدم داشتن سرپناه مناسب برای فرزندانشان راهی مرز های کشور شده و جگر گوشه هایشان روی دستشان خشک می شوند، جان می دهند، تعلق دارد!

به زنان مبارزی که در آن نظام سرکوب و خفقان افغانستان به اشکال مختلف برای بدست آوردن حیثیت و شرافت انسانیشان، به مبارزه پنهان و آشکار دست می زنند، تعلق دارد!

به تمامی زنان زحمتکش، زنان روشنفکر و انقلابی که در سراسر دنیا برای ذره، ذره آزادیشان به مبارزات فردی و یا گروهی دست می زنند، زندان می شوند، شکنجه می شوند، و به قتل می رسند، تعلق دارد!

و بلاخره این روز به شما زنان و مردان مبارز و مترقی و انقلابی که در خارج مرزهای افغانستان، هنوز امید و باورهای انسانی خود را به فراموشی نسپرده و برای آزادی خود و همنوع خود صدای خود را هرچه قدر کوتاه فریاد می کنید، تعلق دارد!

به شما همه، به شما که اینجا نشسته اید می گویم، روزمان، روزتان مبارک باد!

اسم این روز را اکثر زنان جامعه مانشنیده اند. در افغانستان در دوران ظاهرخان و داود خان، یک روز را به نام روز مادر تجلیل می کردند. که بسیار تشریفاتی بود. بعد ها با آمدن مزدوران پرچم و خلقی ها اینروز تشریفاتی و بروکراتیک ادامه پیدا کرد. در دوران سر کار آمدن احزاب اسلامی در افغانستان روز جهانی زن غیر قانونی شد. از زمانی که طالبان سر کار آمدند، انچنان برخورد عقب مانده و ارتجاعی در مورد زنان از خود نشان دادند که مساله زنان در کشور به یک مساله حاد تبدیل شد و به یک حرکت مبارزاتی زنان در افغانستان و دیگر کشور ها دامن زد و جهشی در جنبش زنان بوجود آورد. و امروز زنان روشنفکر و مبارز افغانستان و مردان مترقی این روز را به رسمیت می شناسند. همه ما بخوبی می دانیم که طالبان عقب مانده ترین و خشن ترین چهره را از خود به نمایش گذاشتند. و انچنان کرده و می کنند که احزاب مرتجع رنگا رنگ دیگر اسلامی را به نقش گرفتن در مورد آزادی زنان، وا داشته است.

بگذارید بگویم که ستم بر زنان جزئی از مناسبات حاکم بر جامعه است و تمامی حکومت های ستمگر از آن دفاع می کنند. شوونیسم مرد سالار و پدرسالار و اعمال ستم بر زن یکی از اجزای بزرگ ساختاری جامعه ما می باشد. و با ستم طبقاتی و ملی گره خورده است. از آن تاثیر می گیرد و بر آن تاثیر می گذارد. لذا در مبارزه علیه ستم بر زن ، نمی توانیم نسبت به ستم طبقاتی و ملی بی تفاوت باشیم. و به استقلال کشورمان از سلطه اقتصادی و سیاسی امپریالیسم چه روسیه و چه امریکا و اروپا فکر نکنیم و مبارزه ننماییم. چون اگر واقعا خواهان حل ریشه ای بی حقوقی زنان و تامین تساوی حقوق زنان با مردان هستیم، باید مبارزه برای زنان را با مبارزه با واژگونی این نظام ارتجاعی گره بزنیم . ولی این را با قاطعیت تمام بگویم که هر نیروی سیاسی که خواهان تحولات اساسی در جامعه است و برای رفع ستم ملی طبقاتی مبارزه می کند و استقلال کشور را می خواهد، باید هم برای رفع ستم جنسی زنان مبارزه کند! ما نمی توانیم بر علیه طالبان مبارزه کنیم ولی نسبت به قوانین ضد زن آنها بی تفاوت باشیم. ما با قوانینی که شوونیسم مرد سالار و پدرسالار و اعمال ستمگری بر زنان را در جامعه رواج می دهند، اعمال می کنند تقویت می نمایند، باید به مبارزه برخیزیم!

اگر نخواهیم ستم طبقاتی و ستم ملی و ستم جنسی را که به هم گره خورده در هم تنیده شده را ببینیم و برای آن مبارزه نکنیم، بخشی از حافظین شوونیسم مرد سالار و اعمال ستمگری مرتجعین را از زیر تیغ خارج کرده و به حفظ آن کمک می کنیم. روابط و قانونمندی این نظام مرد سالار و پدر سالار در جامعه زمینه ای برای ستمگری مردان بر زنان در خانواده را فراهم می کند! و دامنه اعمال این ستمگری زیر نام فرهنگ و سنت ها آنچنان است که متاسفانه حتی مردان مترقی و انقلابی و به اصطلاح «چپ» را هم در بر می گیرد!

و در همین جا بگویم که آمیختگی قوانین مذهبی و عنغانات فئودالی در جامعه ما آنچنان زیاد است و فرهنگ ستمگرانه زن ستیزی سایه اش آنچنان سنگین، که حتی خود زنان ما که از این ستمگری در رنج هستند، متاسفانه به این فرهنگ عادت کرده و در بیشتر مواقع خودشان حاملان این فرهنگ می باشند!

در واقع همان قانونی که سنگسار زنان را لازم می داند و حق تحصیل و لباس و حق ازدواج و سفر را از زنان می گیرد و قانون حضانت و نصف ارث را در جامعه به زنان تحمیل می کند، و زنان را به هیچ می شمارد. به حریم آنها تجاوز می کند، و به ازدواج کودکان در جامعه رسمیت می دهد، آنان را با مقداری پول می فروشد، به آنان تجاوز می کند، در خانه اسیر و برده و بنده می کند، همان قانون به جنگ های ملی و قومی و قبیله ای دامن می زند و زحمتکشانش شهر و روستا و روشنفکران از ملیت های مختلف را در مقابل هم قرار می دهد تا به کشتار هم دست بزنند.

صنعت و کشاورزی کشور را به نابودی می کشاند و اقتصاد جامعه هر روز بیشتر به قهقرا می برد. همین چند روز خبرگزاری های غربی اعلام کردند که هزاران نفر افغانی بعلت فقر و سرما قحطی و جنگ راهی مرز ها شده اند.

اگر دیروز دست متجاوزین انگلیسی از آستین شاه شجاع ها، نادر ها، و مدتی بعد دست روسی ها از آستین نوکرانشان پرچمی و خلقی ها بیرون زده شد، امروز دست همه آنها از آستین های احزاب رنگارنگ اسلامی و بخصوص دست امریکا از آستین گشاد طالبان در آمده است.

جنبش زنان افغانستان در کجا ایستاده است؟

در جنبش زنان ما همان طور که در بالا گفتم با آمدن نیروی سرگوبگر طالبی جهشی ایجاد شد و زنان ما در داخل افغانستان در بعضی شهرها جلو نیرو های طالبی ایستادگی کردند! مثلا در مقابل سرسختی زنان هراتی طالبان نتوانستند دروازه های حمام را بسته نگه دارند! و در مناطق هزارجات و سمت شمال زنان کم و بیش برای آموزش دیدن دختران دست به مبارزه می زدند! مبارزات پراکنده زنان بر علیه تجاوزات طالب و دیگر مرتجعین در گوشه و کنار کشورمان به چشم می خورد. و این مایه امید واری جنبش زنان است. زنان روشفکر و مبارز افغانی در کویت و پیشاور پاکستان و همچنین در خود اروپا، دست به مبارزات زده و می زنند و این به رشد بیشتر جنبش زنان افغانی کمک می کند. زنان به خوبی در یافته اند که بی تفاوتی بر سرنوشت

خود، یعنی هویت خود را گم کردن، به هیچ شمرده شدن و برده و اسیر شدن خود در جامعه و خانه، می انجامد! زنان افغانی همیشه در مبارزات مختلف چه در دوره تجاوز انگلیسی ها و چه تجاوز روسها نقش داشته اند گرچه گرایشات مرد سالاری در جنبش همیشه به آنها نقش های کناری و حاشیه ای می داد. سایه مرد سالاری بر روی جنبش ملی و میهنی و طبقاتی نگذاشت که زنان بتوانند برای ستم جنسی که بعزت زن بودنشان بالای سرشان بود مبارزه کنند. نقش های کناری را می گویم به خاطر اینکه زنان سازمان دهنده و مبلغ و سخنران و تتوریسین در جنبش کم و انگشت شمار بودند. جنبش زنان افغانی بسیار جوان است هرزمان که می خواست سر از خاک بردارد و شکفته شود حاکمان مرتجع با قوانین عقب مانده و زن ستیز، جنبش زنان را لگد مال می کردند و دو دهه است که اصلا زن به حساب نمی آید. نصف نفوس جامعه را محو کرده اند. اما این گفته که می گویند هرچا ستم است، مبارزه هم است، در مورد زنان کشور ما بسیار صادق است. ستم جهادی و طالبی، زنان بیشماری را به عرصه مبارزه کشانده است. با این حال گرایشاتی در جامعه موجود است که نه تنها به رشد جنبش زنان کمک نمی کند، بلکه روح جنبش را بیمار می کند و زنان را به عقب می برد!

این گرایشات چه می گویند؟

یک گرایش می گوید که جنبش زنان امروز یک جنبش فرعی و کناری است و زنان نباید مبارزه با ارتجاع و امپریالیسم را فدای مبارزات صنفی خود کنند. و مسئله زنان بعد از مبارزه با ارتجاع و امپریالیسم خود به خود حل می شود. گرایشی دیگر اصلا جنبش زنان و مبارزات زنان را برای رفع ستم جنسی شان به رسمیت نمی شناسد، و به آن بها نمی دهد. آنها آزادی زن و تساوی حقوق با مردان را به معنی ترویج فحشا دانسته و مغایر «غیرت افغانی» خویش می دانند؟! عده ای دیگر به ضرورت آزادی زن برخوردی سطحی و روبنایی دارند و فعالیت زنان را تنها در چار چوب مکتب رفتن زنان و رولچی و همکاری در کارخانه با زنان و برخی فعالیت های فرهنگی و نوشتن یک قطعه شعر می داند. آنها چیزی به عنوان ستم جنسی را یا نمی دانند و یا به آن کم بها می دهند.

وگرایشی دیگر، مسئله زنان و کسب حقوق آنها را در محدوده خواسته های اسلامی، وروابط نیمه فتووالی نیمه استعماری می داند و سلطه شوونیزم مرد سالار و پدر سالار را بر دست وپای زنان محکم تر می کنند! و گرایشی دیگر سردمداران آمریکایی و اروپایی را مجریان و مدافعان حقوق زن می دانند و برای رشد زنانمان و مبارزه با افکار و قوانین عقب مانده دست به سوی آنها دراز می کنند آنها هم برای زنان افغانستان اشک تمساع می ریزند. و در خلوت آنها احزاب نوکر صفت و ارتجاعی را تقویت می کنند. باید این را بدانیم که اولاً آنها در درجه اول منافع سرمایه و سود خود را مد نظر دارند تا منافع ما زنان افغانستانی را. آنها در کشور خودشان زنان را به کالای سکس تبدیل کرده اند. و مبارزات زنان کشور های اروپایی و آمریکایی بر علیه فرهنگ سکسیسم و شوونیزم و فاشیسم می باشد! و در همین جا بگوئیم که ما از مبارزات به حق آنها حمایت می کنیم! ما هرگز نباید توهمی به این دولت ها داشته باشیم که آنها یار و یاور ما هستند و به رشد جنبش زنان ما کمک می کنند!

گرایشی دیگر جنبش زنان را سیاسی نمی داند و زنان فقط می بایست در حیطه فرهنگی و صنفی کارکنند. آنها سطح جنبش زنان را پائین می آورند و درک اکونومیستی از جنبش زنان دارند. آنها با زبان بی زبانی می گویند زنان لیاقت شرکت در سیاست را ندارند! و نمی توانند برای کارهای مهم تصمیمات مهم بگیرند. اولین سئوالی که برای ما مطرح می شود این است که زنان باید مبلغ کدام فرهنگ باشند؟ فرهنگ ستمگرانه ظاهرخانی یا نوکران روس یا فرهنگ جهادی و طالبی؟ بنظر ما امروز زنان کشور ما باید مبلغان فرهنگ رهایی زنان از قید اسارت مرتجعین و رهایی از عنعنات فتووالی، پدرسالاری و مرد سالاری باشند!

گرایش دیگری که دست و پای ما را فلج می کند ما را منزوی می کند این است که جنبش زنان ما آلوده است به ناسیونالیسم تنگ نظرانه. امروز که سرمایه های جهانی مرزها را در نوردیده و اقتصاد افغانستان هم در اقتصاد جهانی تنیده شده و بین خود امپریالیست ها با همگی اختلافاتشان در سرکوب خلق ها با هم متحد می شوند و مرتجعین گوناگون با هم در چلانیدن و استثمار

مردم دستشان در دست همدیگر است و همگی در عقب نگه داشتن ما زنان و به بردگی کشاندن ما و ستم و استعمار هرگز کوتاهی نمی کنند.

داشتن تفکر ناسیونالیستی تنگ نظرانه درک عقبگراست! این درست است که فرهنگ شوونیسم ایرانی و یا فاشیسم کشورهای اروپایی، بسیار زشت و کثیف است و باید حتما افشا شود ولی باید چیزی که وسط می گذاریم نه ناسیونالیسم تنگ نظرانه افغانی، بلکه اتحاد و همبستگی خلق ها، مد نظرمان باشد و آنرا تبلیغ کنیم! چون همان طور که می دانیم ستم بر زن جهانی است و مرزی نمی شناسد! و برای مبارزه با آن هم باید دیدی جهانی داشت گرچه هر جنبشی ویژه گی خودش را دارد و تضاد های خودش ولی باید با دیدن ویژگی جنبش زنان افغانستانی، همبستگی جنبش زنان را باور داشت! باید به روی دو پای خود بایستیم. از تجارب زنان مترقی و مبارز دیگر کشور ها بیاموزیم، تجارب خودمان را در اختیار آنان بگذاریم و به اتحاد جنبش زنان جهان، یاری رسانیم. وقتی به روی دو پای خود ایستادیم، و به همه جا نظر داشتیم، خوب راه رفتن را می آموزیم!

در این راستاخواست ما این است :

۱- ما زنان برای مبارزه با ستم جنسی باید نقش اصلی و محوری داشته باشیم، و مبارزات مستقلی را چه در خانه و چه در جامعه برای مبارزه با فرهنگ مردسالاری در همه عرصه ها، به پیش ببریم!

۲- سرکوب های خونین طالبان که ضد برابری حقوق زنان با مردان است را بشدت محکوم نماییم!

۳- قوانین غیر انسانی طالبان علیه دختران و زنان که اجازه کار، تعلیم و تربیت و تحصیل راندارند، محکوم کرده به افشاگری جنایات شان جدا" بپردازیم!

۴- قوانین قصاص، سنگسار زنان، دو زن به مساوی یک مرد (برای شهادت)، را نپذیرفته، بشدت برای لغو آن پا فشاری نماییم!

۵- از مقاومت زنان در مقابل هر شکل ستم در داخل کشور دفاع نموده، توسط تبلیغ مثبت به مقاومت آنها نیرو به بخشیم و برای دفاع از آنها با اعلامیه ها، اکسیون های سرتاسری، قطنامه ها، نامه های اعتراضی در اجتماعات سیاسی، در سطح بین المللی دست بزنیم!

۶- خواهران عزیز، با درک چنین شرایط وحشتناک، حساس بوده برای نجات زنان در داخل افغانستان از فحشا، بیکاری بیماری، بدبختی، گرسنگی، بی خانمانی، آوارگی، دست به اعتصاب عملی زده و برای افشا چنین شرایطی دهشتناک مردم جهان را از این بی تفاوتی، تکان بدهیم!

۷- زنان مبارز در هر حلقه، گروه، انجمن، و سازمانی که هستید، برای هدف مشترک و دفاع از حقوقتان دست به هم داده و در مبارزه جدی و اکسیون های مشترک، سهم بگیرید!

زنان باید دو زنجیر را از دست پای خود بردارند، ستم جنسی و ستم طبقاتی. ما زنان افغانی با ید با شعار مرگ بر طالبان و دیگر مرتجعین اسلامی و غیر اسلامی این بار در صف اول جنبش زنان و جنبش آزادی بخش ملی قرار بگیریم!